

شناسایی و تبیین ابعاد و شاخص‌های کلیدی در طراحی مدل گزارشگری ریسک اعتباری برای مؤسسات مالی و اعتباری

نوع مقاله: پژوهشی

ماریه قربانی^۱

نادر رضایی^۲

رسول عبدی^۳

حمیدرضا عزیزی بالابیگلو^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

چکیده

ریسک اعتباری به عنوان یکی از چالش‌های کلیدی در صنعت بانکداری و مؤسسات مالی، تأثیر چشمگیری بر پایداری و سلامت مالی این نهادها دارد. غفلت در ارائه چارچوب‌های جامع برای گزارشگری این ریسک می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری نظیر ورشکستگی بانک‌ها را به همراه داشته باشد. این پژوهش با هدف شناسایی و تبیین ابعاد و شاخص‌های مؤثر در طراحی مدل گزارشگری ریسک اعتباری در مؤسسات مالی و اعتباری انجام شده است. این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، کیفی بوده و با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه مالی، حسابداری و مدیریت ریسک انجام شده است. جامعه آماری شامل اساتید دانشگاهی، مدیران مالی، حسابرسان و متخصصان گزارشگری مالی بود که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۱۲ نفر از آنها تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا و نرم‌افزار MAXQDA تحلیل گردید. نتایج پژوهش منجر به ارائه الگویی شامل دو بُعد اصلی شد: عناصر شکلی و عناصر محتوایی. عناصر شکلی: ویژگی‌هایی نظیر قابلیت مقایسه، قابل فهم بودن، ارائه

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران
marieh.gorbani@iau.ir

^۲ دانشیار گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران (نویسنده مسئول)
naderrezaei@iau.ac.ir

^۳ دانشیار گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران
abdi57@iau.ir

^۴ استادیار، گروه حسابداری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران
1461710952@iau.ir

به‌موقع، شفاف‌سازی مفروضات کلیدی، سیاست‌ها و روش‌های حسابداری و تکنیک‌های مدیریت دارایی‌های کاهش‌یافته و عناصر محتوایی: شامل شاخص‌هایی همچون مربوط بودن، قابلیت اتکا، جامعیت، شاخص‌های عملکرد مالی، کیفیت دارایی‌ها، نرخ نکول، تمرکز ریسک، تطابق با مقررات و میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک. اعتبارسنجی مدل با استفاده از شاخص کاپا (۰,۹۰۱) انجام شد که نشان‌دهنده سطح توافق عالی میان متخصصان است. علاوه بر این، روش دلفی فازی برای غربالگری و تأیید عوامل شناسایی‌شده به کار گرفته شد. این پژوهش به‌طور خاص تلاش می‌کند با ارائه چارچوبی جامع برای گزارشگری ریسک اعتباری، نیازهای عملیاتی مؤسسات مالی را برآورده سازد و به افزایش شفافیت و پایداری در این صنعت کمک کند.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری ریسک اعتباری، عناصر شکلی، عناصر محتوایی، مؤسسات مالی و اعتباری.

طبقه بندی JEL: C22, K10, M20, O10

مقدمه

هدف از مدیریت ترازنامه یا به عبارتی مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها به حداکثر رساندن ثروت سهامداران می‌باشد. ریسک و بازدهی دو عامل تأثیرگذار در حداکثرسازی ثروت سهامداران است. با مدیریت بهینه دارایی‌ها و بدهی‌های ترازنامه، می‌توان سود را به حداکثر رساند و انواع ریسک‌های مرتبط را به حداقل کاهش داد و بدین وسیله، ثروت سهامداران را افزایش داد (ایزدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶).

مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها به طرق مختلفی تعریف شده است. برخی از تعاریف ارائه شده توسط مؤسسات مالی برجسته‌ای صورت گرفته که پیام اصلی این روش بهینه‌سازی را نشان می‌دهند. این تعاریف شامل موارد زیر است:

فرآیند مدیریت حاشیه بهره خالص: این فرآیند در محدوده ظرفیت تحمل ریسک کلی مؤسسه تعریف می‌شود. حاشیه بهره خالص، که یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد بانکی است، از تقسیم تفاوت بین بهره دریافتی و بهره پرداختی به متوسط کل دارایی‌های سرمایه‌گذاری شده به دست می‌آید (علیرضایی و همکاران، ۱۳۹۷).

فرآیند برنامه‌ریزی، هدایت و کنترل: این فرآیند بر جریان و سطح هزینه‌ها و بازدهی به منظور دستیابی به اهداف مالی و کنترل ریسک‌های مالی تمرکز دارد (سپاسی و همکاران، ۱۳۹۶).

رویکردی یکپارچه: مدیریت و تصمیم‌گیری همزمان در مورد انواع و میزان دارایی‌ها و بدهی‌های مالی یا ترکیب و حجم آن‌ها است (ناصرزاده و همکاران، ۱۴۰۲). این روش یک نسخه همگرا از چندین رویکرد موفق است که طی دو تا سه دهه گذشته توسط مؤسسات مالی در سراسر جهان برای مقاومت در برابر فشارهای محیط مالی ناپایدار جهانی به کار گرفته شده است. اگرچه این فرآیند پیچیده است، اما یکی از راه‌حل‌های مؤسسات مالی در چارچوب رقابتی برای بقا محسوب می‌شود. راز موفقیت این مؤسسات تحت محیط‌های رقابتی و پویا به تطابق دارایی‌ها و بدهی‌ها از نظر نرخ و سررسید با هدف دستیابی به بازدهی بهینه وابسته است (لبافی و همکاران، ۱۴۰۰).

از آنجایی که مؤسسات مالی مانند بانک‌های تجاری، شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری بیشتر در معرض ریسک‌های بازار، نقدینگی، اعتباری، نرخ ارز، سوداگرانه، عملیاتی و حقوقی قرار دارند، مدیریت ریسک دارایی‌ها و بدهی‌ها رکن اساسی فعالیت در این صنعت محسوب می‌شود. مدیریت بهینه آن‌ها مستلزم تجزیه و تحلیل مؤثر فعالیت‌های این مؤسسات و شناخت کافی و ارزیابی مناسب از ریسک‌های موجود است. صندوق‌های سرمایه‌گذاری به‌عنوان یکی از مؤسسات مالی نقش مهمی در واسطه‌گری مالی ایفا می‌کنند. صندوق سرمایه‌گذاری مشترک، یک صندوق مدیریت‌شده حرفه‌ای است که پول بسیاری از سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری در اوراق بهاداری

مانند سهام، اوراق قرضه، بدهی‌های کوتاه‌مدت و سایر دارایی‌های مالی جمع‌آوری می‌کند. دارایی‌های ترکیبی صندوق سرمایه‌گذاری مشترک به‌عنوان پرتفوی آن شناخته می‌شود (رحیمی، ۱۴۰۱). بازدهی پرتفوی این صندوق‌ها تحت تأثیر مدیریت دارایی و بدهی در قالب انتخاب ترکیب سبد دارایی و بدهی و سایر شرایط اقتصادی است. انتخاب یک سبد دارایی ریسکی یا کم‌ریسک و اتخاذ راهبرد تأمین مالی نظیر اتکا به منابع پایدار یا ناپایدار، می‌تواند صندوق را در معرض خطر یا موفقیت قرار دهد (ختن‌لو و همکاران، ۱۴۰۱).

موضوع ریسک اعتباری یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین مباحث در صنعت بانکداری و مؤسسات مالی و اعتباری محسوب می‌شود. این ریسک عامل اصلی ورشکستگی بسیاری از بانک‌ها بوده و یکی از قدیمی‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین انواع ریسک‌ها در بازارهای مالی است. ریسک اعتباری از نکول و قصور طرف قرارداد ناشی می‌شود، زمانی که طرف قرارداد نخواهد یا نتواند تعهدات خود را انجام دهد. علیرغم نوآوری‌ها در بخش خدمات مالی، این ریسک یکی از دلایل اصلی شکست مؤسسات مالی و اعتباری به شمار می‌رود، زیرا ارتباط مستقیم با اجزای ترازنامه‌ای این مؤسسات دارد و درصد بالایی از آن‌ها به جنبه‌هایی از ریسک اعتباری بازمی‌گردد (دا و پنگ، ۲۰۲۳).

بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ در کشورهای غربی که پیشرو در توسعه سیستم‌های مالی و اعتباری بودند، ریشه در افزایش ریسک اعتباری داشت. این بحران اهمیت توجه به مدیریت و گزارشگری ریسک اعتباری را برجسته ساخت (باراجاس و همکاران، ۲۰۲۱). در ایران نیز افزایش مطالبات معوق بانکی در سال‌های اخیر به دلیل رکود تورمی می‌تواند نظام بانکی را با مشکلات جدی مواجه کند. این موضوع، ضرورت آگاهی‌بخشی نسبت به ریسک اعتباری و نحوه گزارش آن را افزایش داده است. هرچند تاکنون در محافل علمی به برخی از جنبه‌های این موضوع پرداخته شده، اما ارائه یک مدل جامع که تمامی ابعاد شکلی و محتوایی را پوشش دهد و نیازهای اطلاعاتی را برآورده سازد، همچنان مورد توجه کافی قرار نگرفته است. این پژوهش با هدف تعیین ابعاد و شاخص‌های تأثیرگذار در ایجاد مدل گزارشگری ریسک اعتباری در مؤسسات مالی و اعتباری انجام شده است. مدل پیشنهادی تلاش دارد تا جنبه‌های نوآورانه‌ای را در مدیریت ریسک اعتباری معرفی کند و راهکاری جامع برای کاهش ریسک و افزایش کارایی گزارشگری در این حوزه ارائه دهد. در ادامه مبانی نظری پژوهش حاضر جهت تفهیم بهتر موضوع ارائه گردیده است.

1 Da & Peng

2 Barajas et al

۱- ادبیات موضوع

ریسک اعتباری: ریسک اعتباری عبارت است از احتمال عدم بازپرداخت اصل و سود تسهیلات اعطایی از سوی مشتریان. این ریسک از بعد تخصیص منابع، مهمترین ریسکی است که متوجه بانکها می‌باشد. اهمیت و نقش این ریسک در بانکهای بزرگ جهان تا حدی است که آنها تمایل دارند حدوداً نیمی از سرمایه اقتصادی خود را به این ریسک اختصاص دهند (آرون و همکاران^۱، ۲۰۰۷).

ارائه تسهیلات مالی، یکی از فعالیت‌های مهم نظام بانکی تلقی می‌شود. برای اعطای تسهیلات، باید درجه اعتبار و قدرت بازپرداخت اصل و فرع دریافت کننده تسهیلات را تعیین کرد. ریسک اعتباری به طور خلاصه به عدم ایفای تعهدات دریافت کننده تسهیلات (وام گیرنده) یا طرف قرارداد بانک بر طبق ضوابط توافق شده اطلاق می‌شود (دونوان و همکاران^۲، ۲۰۱۸). این ریسک به حالت‌های زیر خود را نشان می‌دهد: احتمال کاهش توان بازپرداخت اصل و فرع تسهیلات دریافتی توسط مشتری؛ احتمال عدم بازپرداخت اصل و فرع تسهیلات دریافتی توسط مشتری (اسکانلا و پلیزی^۳، ۲۰۱۹). معوق شدن بازپرداخت اصل و فرع تسهیلات دریافتی توسط مشتری (اسکانلا و پلیزی، ۲۰۱۹). اگر اعتبار انتظار دریافت اصل و فرع وام‌های پرداخت شده، تعریف شود. در این صورت ریسک اعتباری در تفسیر عام، احتمال عدم برآورد این انتظار (مقداری که به صورت بالقوه قابلیت کمی شدن را دارد) است. بازگشت یا عدم بازگشت تسهیلات اعطایی به متقاضیان روشن نیست و نمی‌توان مشخص نمود که وام گیرنده توان پرداخت تعهدات خود را خواهد داشت یا به دلایل مختلف از این کار سرباز خواهد زد، در چنین معامله‌ای اولاً اعتبار دهنده با هر سه پیش شرط وجودریسک مواجه است و ثانیاً ریسک بدو ماهیتی شرطی و سودجویانه دارد، چرا که این عمل می‌تواند برای وام دهنده متضمن منفعت و یا زیان باشد. از سوی دیگر، برخی از عوامل تصادفی خارج از کنترل وام گیرنده و وام دهنده وجود دارد. بنابراین، این نوع معاملات در معرض ریسک‌های حقیقی نیز قرار می‌گیرند (ساندرز و آلن^۳، ۲۰۰۲).

ریسک اعتباری به عنوان "احتمال اینکه بخشی از دارایی‌های بانک به ویژه وام‌هایش از نظر ارزش افت کند و احتمالاً بی‌ارزش شود"، تعریف می‌شود. مدیریت ریسک اعتباری بسیار مهم بوده و محور سلامت یک بانک و در واقع کل سیستم مالی است. از آنجا که بانک‌ها وام می‌دهند، لازم است اندوخته‌های احتیاطی برای زیان وام در دفاترشان داشته باشند. هر چقدر این اندوخته نسبت به اندازه وام‌های کل بالاتر باشد، بانک پر ریسک‌تر می‌شود. یک افزایش در ارزش اندوخته برای زیان

1 Aaron et al.

2 Donovan et al.

3 Saunders & Allen

وام نسبت به وام‌های کل نشانه‌ای از این است که وصول دارایی‌های بانک دارد دشوارتر می‌شود (تفرا، ۱۱، ۲۰۱۱).

ریسک اعتباری از این واقعیت ناشی می‌شود که طرف قرارداد، نتواند یا نخواهد تعهداتش را انجام دهد. بنابراین، ریسک اعتباری را می‌توان به عنوان زبانی محتمل تعریف کرد که در اثر یک رویداد اعتباری اتفاق می‌افتد. به بیان روشن، ریسک اعتباری بانک‌ها، احتمال قصور وام‌گیرنده یا طرف مقابل بانک نسبت به انجام تعهداتش، طبق شرایط توافق شده، تعریف می‌شود. اگرچه منشأهای دیگر ریسک اعتباری در فعالیت‌های یک بانک وجود دارد که در دفتر بانک و دفتر تجاری منظور می‌گردد، ولی برای اکثر بانک‌ها، وام‌ها بزرگترین و بدیهی‌ترین منشأ ایجاد ریسک اعتباری می‌باشد (بریدن، ۲، ۲۰۲۱).

ریسک اعتباری احتمال تغییر در ارزش دارایی‌های بانک به دلیل تغییرات پیش‌بینی نشده در کیفیت اعتباری مشتریان یا بدهکاران است و دارای دو منشأ است: ریسک نکول و ریسک تغییر شرایط اعتباری مشتری. بنابراین، این ریسک زمانی رخ می‌دهد که طرف قرارداد قادر به پرداخت بدهی خود نباشد یا حداقل آنها را به موقع پرداخت نکند. لذا، نکول تعداد اندکی از مشتریان می‌تواند ضرر بسیار بزرگی برای بانک به همراه داشته باشد. دلایل زیادی برای نکول وجود دارد. در اغلب موارد طرف بدهکار، در یک موقعیت مالی بد، مثلاً در جریان ورشکستگی قرار دارد اما، در برخی موارد هم ممکن است عمداً تعهدات خود را انجام ندهد. مثلاً به واسطه‌ی یک اختلاف حقوقی یا تقلب در قرارداد باشد. بنابراین، زیان اعتباری زمانی رخ می‌دهد که بانک با توجه به تعهد یک قرض‌گیرنده معتبر سرمایه‌گذاری کند اما، پروفایل ریسک یا رتبه اعتباری آن قرض‌گیرنده دچار افت زیادی شود. لذا، در این شرایط حتی در صورت تسویه، قیمت نقد کردن بدهی در بازار، کمتر از قیمت فراهم کردن بدهی توسط بانک است و این امر موجب زیان خالص برای بانک می‌شود (ناصرزاده و همکاران، ۱۴۰۲).

ریسک اعتباری بطور ساده عبارت است از: "امکان بالقوه‌ی اینکه قرض‌گیرنده از بانک و یا طرف حساب وی، در اجرای تعهدات خود در مقابل بانک در مدت مشخصی ناتوان شود" (تقوی و همکاران، ۱۳۹۰).

کاهش حاشیه سود و ریسک اعتباری بانک: یکی از وظایف بانک‌ها مدیریت ریسک‌هایی است که با آن مواجه هستند، اگر مدیریت ریسک وجود نداشته باشد بانک‌ها با ورشکستگی مواجه می‌شوند. برای ممانعت از ورشکستگی بانک‌ها، مقررات بانکی وضع می‌شود. از طرفی مقررات بانکی می‌-

1 Tefera

2 Breeden

تواند بر رقابت در بازار بانکی اثرگذار باشد. زیرا اگر این مقررات طوری باشد که انحصار را از بین ببرد یا بانک‌ها را به سمت رقابت سوق دهد، بر کارایی نیز اثرگذار خواهد بود. اقتصاددانان بیان می‌کنند که بانک‌های کارا با عملکرد بهتری که دارند، هزینه‌های خود را کاهش داده و بدین ترتیب می‌توانند سهم بازاری بیشتری را به خود اختصاص دهند. بر اساس این دیدگاه محیط رقابتی ممکن است سیستم بانکی کارا و متمرکز ایجاد نماید. وجود نهادهای قانونی مانع انحصار درس سیستم بانکی است. لذا، می‌تواند حاشیه سود بانکی را بهبود بخشد. فرای ۱ (۱۹۹۵) بیان می‌دارد که در غیاب بازارهای مستقیم مالی و بازار سرمایه و اوراق قرضه، موسسات مالی ریسک مالی بیش از اندازه را جذب نموده و بنابر مطالعه‌ی دمیرگاک - کانت و هایزینگا ۲ (۱۹۹۹)، نوسانات حاشیه‌ی سود، انعکاسی از جانشینی بین تأمین مالی بدهی و سرمایه است. به هنگامی که بازار سرمایه گسترش می‌یابد با برقراری بازده رقابتی، بانک‌ها نرخ بهره‌ی سپرده‌شان را جهت رقابت در جذب وجود مردم افزایش می‌دهند. همچنین، با گسترش بازار، ریسک جذب شده‌ی بخش بانکی کاهش یافته و بانک‌ها در فضای رقابتی نرخ بهره‌ی پایین‌تری را برای اعطای وام درخواست می‌کنند و لذا، حاشیه‌ی سود کاهش می‌یابد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۷).

ریسک اعتباری از اعتبار وام گیرندگان و لذا عدم پرداخت اقساط بانکی نشأت می‌گیرد. ادبیات موجود نشان می‌دهد که بانک‌هایی که وام‌های مخاطره‌آمیز پرداخت می‌کنند، مجبورند تا مقدار بهره‌ی بالاتری وضع نمایند (مادوس و گاوارا، ۲۰۱۴).

باراجاس و همکاران ۴ (۲۰۲۱) معتقدند که حاشیه‌ی سود بالا، بیانگر وجود مسائل و مشکلاتی در محیط مقرراتی بانکی و عدم تقارن اطلاعات می‌باشد. به عبارت دیگر، حاشیه‌ی سود بالاتر می‌تواند سودآوری سیستم بانکی و عمق بانکی و ثبات مالی را با افزایش تحمل سیستم بانکی در مقابل شوکهای منفی بهبود بخشد. سیورجو واتسون ۵ (۲۰۱۲) بیان می‌کنند همیشه حاشیه‌ی سود بالا نمی‌تواند نشانه خوبی از کارایی سیستم بانکی باشد، اما می‌تواند بیانگر مقررات ناکافی و بی‌ثباتی سیستم بانکی باشد. اگر بانکی دارای عملکرد ضعیفی باشد، سعی می‌کند نرخ بهره‌ی وام را کاهش بدهد تا بتواند سهم بیشتری از بازار را بدست بیاورد. اسکانلا و پلیزی (۲۰۲۱) معتقدند که حاشیه‌ی سود بالا از یک طرف مرتبط با درجه پایین کارایی و بازار غیررقابتی است. از سوی دیگر، حاشیه‌ی سود بالا بیانگر انعکاس مقررات ناکافی در سیستم بانکی و درجگه بالای عدم تقارن اطلاعات می‌-

1 Fry

2 Demircig & Huizinga

3 Maudos & Guevara

4 Barajas et al

5 Seuraj & Watson

باشد. همچنین، حاشیه سود بالا بیانگر ریسک بالا در بانک نیز می‌تواند باشد. اگر در چنین شرایطی رقابت افزایش یابد، رفتار سفته‌بازانه‌ی بانک افزایش یافته و لذا بی‌ثباتی بانک نیز افزایش می‌یابد.

گزارشگری ریسک اعتباری: ریسک اعتباری به این دلیل به وجود می‌آید که وام‌گیرندگان بانکی و سایر طرف‌های مقابل ممکن است مایل یا قادر به انجام تعهدات قراردادی خود نباشند. این مفهوم و ویژگی‌های یک فرآیند مدیریت ریسک اعتباری صحیح در مقاله کمیته بازل در مورد اصول ارزیابی مدیریت ریسک اعتباری بانک، مورد بحث قرار گرفته است (اسکانلا و پلیزی، ۲۰۲۱). بهبود شفافیت گزارشگری بانکی نیاز به شفافیت فعالیت‌های بانکی و ریسک‌های ذاتی این فعالیت‌ها از جمله ریسک اعتباری را مورد بحث قرار می‌دهد. به ویژه، اطلاعات معنادار و دقیق افشا شده به موقع، پایه مهمی را برای نظم بازار و نظارت عمومی بانک‌ها فراهم می‌کند. طرف‌های بانکی آگاه به ریسک، در معاملات خود با بانک‌ها، می‌توانند نظارت بانکی را با پاداش دادن به مؤسسه‌ای که ریسک‌ها را به طور مؤثر مدیریت می‌کنند و مجازات کسانی که مدیریت ریسک‌شان ضعیف یا ناکارآمد است، تقویت کنند. این امر می‌تواند انگیزه‌های قوی برای بانک‌ها برای حفظ سیستم‌های مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی صحیح و انجام فعالیت‌ها و ریسک‌پذیری‌های خود به گونه‌ای فراهم کند که هم محتاطانه و هم با اهداف تجاری اعلام شده سازگار باشد. گزارش بهبود شفافیت بانک همچنین ویژگی‌های کیفی اطلاعاتی را که شفافیت را فراهم می‌کند، مورد بحث قرار می‌دهد (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۸).

بانک باید اطلاعات مربوط به ترکیب مواجهه‌های اعتباری درون و خارج از ترازنامه خود را توسط انواع عمده طرف مقابل، از جمله دولت خارجی، دولت داخلی، شرکت خارجی، شرکت داخلی، مصرف‌کننده، و سایر موسسات مالی افشا کند. باید این اطلاعات را بدون در نظر گرفتن اثرات تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری، به عنوان مثال، وثیقه و خالص‌سازی، که موضوع یک توصیه افشای جداگانه است، ارائه دهد. علاوه بر این، معاملات درون گروهی و مواجهه با اشخاص مرتبط، مدیران و سهامداران باید به طور جداگانه شناسایی شده و روش‌های مورد استفاده برای ارزش‌گذاری این معاملات شرح داده شود. طرفین پرخطر، به عنوان مثال، مؤسسات دارای اهرم بالا، باید به طور جداگانه افشا شوند (دونوان و همکاران، ۲۰۱۸).

۲. پیشینه تجربی

عرفات‌جو و مائده (۲۰۲۴) پژوهشی با عنوان اندازه‌گیری افشای ریسک اعتباری بانک انجام دادند. از آنجایی که استانداردهای بین‌المللی مانند بازل و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

(IFRS) به طور مداوم توسط کشورهای سراسر جهان بهبود یافته و مورد پذیرش قرار می‌گیرند، فرض شد که میزان افشای ریسک اعتباری بانک‌ها قابل مقایسه و تقریباً در یک سطح است. نتایج نشان داد که تفاوت معنی‌داری در امتیاز افشای ریسک اعتباری سه کشور مورد بررسی (ژاپن، آفریقای جنوبی و موزامبیک) وجود ندارد. با این حال، در هر کشور، متوجه شدند که بانک‌های بزرگتر تمایل دارند صفحات بیشتری را نسبت به بانک‌های کوچک‌تر، به ویژه در ژاپن، افشا کنند. نتایج بر نیاز به قالب‌های گزارش‌دهی استاندارد و ابزارهای بهبودیافته برای افشا، به‌ویژه سیستم‌های بایگانی الکترونیکی تأکید می‌کند. ثانیاً، فضا برای بهبود قابلیت مقایسه در شیوه‌های افشای ریسک اعتباری وجود دارد.

دا و پنگ (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان شاخص‌های غیر مالی تجزیه و تحلیل ریسک اعتباری شرکت‌های کوچک فناوری‌محور چینی انجام دادند. این مطالعه برای شناسایی شاخص‌های جدیدی است که می‌تواند ویژگی‌های مرتبط با اعتبار شرکت‌ها را به تصویر بکشد. به طور خاص، پیشنهاد کردند که قابلیت نوآوری و مدل‌های کسب‌وکار را می‌توان برای شناسایی برخی از جنبه‌های خاص ریسک اعتباری استفاده کرد. برای اعتبارسنجی شاخص‌های جدید، عملکرد شاخص‌های مالی سنتی و شاخص‌های جدید مقایسه شدند. نتایج نشان داد که شاخص‌های نوآوری و مدل کسب‌وکار می‌توانند به طور موثری عملکرد طبقه‌بندی‌کننده‌ها را در ارزیابی ریسک اعتباری شرکت‌ها بهبود بخشند.

لوپز لیرا (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان تجزیه و تحلیل متنی افشای ریسک برای مقطع عرضی بازده انجام داد. از یادگیری ماشینی برای استخراج عوامل خطر شناسایی شده توسط شرکت‌ها در افشای سالانه‌شان، تعیین کمیت قرار گرفتن شرکت‌ها در برابر هر ریسک، و ساختن پرتفوی‌های تقلیدکننده برای هر ریسک استفاده شد. این پورتفولیوها قیمت گذاری شده و حاوی اطلاعاتی فراتر از آن چیزی است که توسط بازنمایی‌های چند عاملی رایج به حساب می‌آید. یک مدل عامل سطح دوم ریسک‌ها را به سیستماتیک و خاص دسته‌بندی می‌کند و به ساخت عوامل قیمت گذاری کمک می‌کند. این عوامل ریسک شناسایی شده توسط شرکت، حداقل به خوبی مدل‌های کلاسیک هنگام قیمت گذاری مجموعه گسترده‌ای از دارایی‌ها عمل می‌کنند. این نتایج نشان می‌دهد که ریسک‌های سمت شرکت، مانند مدل‌های مبتنی بر تولید، در قیمت‌گذاری مقطعی ارزشمند هستند.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر نوع روش، روش تحقیق کیفی محسوب می‌گردد. از روش تحلیل محتوا بویژه برای استخراج مقوله‌ها از انواع مصاحبه در تحقیقات

کیفی استفاده می‌شود. با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA می‌توان به تحلیل محتوا پرداخت. کدگذاری در تحلیل محتوا از اهمیت بالایی برخوردار است. در واقع مقوله‌های اصلی و فرعی منتج از تحلیل محتوایی از طریق کدگذاری انجام می‌شود.

جامعه آماری پژوهش، در بخش کیفی شامل اساتید، مدیران مالی، حسابرسان، حسابداران ارشد و متخصصان حوزه گزارشگری مالی در کشور ایران در سال ۱۴۰۳ هستند که در زمینه گزارشگری مالی و حسابرسی اطلاعات لازم داشته‌اند که مورد شناسایی قرار گرفته و در بخش کیفی از نظراتشان استفاده شد. برای انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. لذا در این پژوهش با دعوت از مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه‌های عمیق و به‌صورت نیمه ساختار یافته گردآوری شد. نمونه‌گیری از صاحب‌نظران در این پژوهش تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند اکتشاف و تجزیه و تحلیل به نقطه اشباع نظری ۱ رسید. اشباع نظری به این صورت است که محقق با ظهور اکتشاف اولیه سعی خواهد کرد که اطلاعات بیشتری را در ادامه گردآوری کند تا ارتباط مقوله‌های اصلی با مقوله‌های دیگر وضوح و معنای بیشتری پیدا کند. این کار تا زمانی ادامه پیدا کرد که محقق احساس کند که صاحب‌نظران دیگر اطلاعات جدیدی ارائه نمی‌دهند.

در تحقیق حاضر با توجه به موضوع و اهداف تحقیق از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد مصاحبه‌ها بصورت حضوری یا از طریق تلفن و ایمیل با یادداشت برداری و تعدادی نیز ضبط شده (با کسب اجازه از مصاحبه شوندگان) انجام شد. پس از انجام مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران، مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و سپس داده‌های جمع‌آوری شده تحلیل و ترکیب شدند. با توجه به شیوه مصاحبه در گردآوری داده‌های پژوهش در هر مرحله، یافته‌ها به سایر متخصصان ارجاع داده‌شده و نظرات آن‌ها در خلال پژوهش اعمال شده‌اند. همچنین پس از شکل‌گیری مدل نظری، مدل به ترکیبی از افراد مشارکت‌کننده ارجاع داده‌شده است تا ایده‌های آن‌ها نسبت به تغییر، حذف و اصلاح اعمال شود.

به منظور سنجش پایایی مدل طراحی شده از شاخص کاپا ۲ استفاده شده است. بدین طریق که، شخص دیگری (از نخبگان این رشته) بدون اطلاع از نحوه ادغام کدها و مفاهیم ایجاد شده توسط محقق، اقدام به دسته‌بندی کدها در مفاهیم کرده است. سپس مفاهیم ارائه شده توسط محقق با مفاهیم ارائه شده توسط این فرد مقایسه شده است. در نهایت با توجه به تعداد مفاهیم ایجاد شده مشابه و مفاهیم ایجاد شده متفاوت، شاخص کاپا محاسبه شده است.

1 Theoretical Saturation

2 kappa

پس از ارزیابی دقیق، نرم افزار MAXQDA11 به منظور افزایش کارایی و دقت فرایند تحلیل محتوا برای این پژوهش انتخاب شد.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

محقق با مرور مجموعه داده‌های گردآوری شده، تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در مصاحبه‌ها را باز شناسد. این مرحله از کدگذاری، کدگذاری باز نامیده می‌شود، چرا که محقق با ذهنی باز به نام گذاری مفاهیم پرداخته و محدودیتی برای تعیین کدها قائل نیست. هدف از کدگذاری باز، تجزیه مجموعه داده‌های کیفی گردآوری شده به کوچک‌ترین اجزای مفهومی ممکن است. در جداول بعدی، به شرح و بررسی کدگذاری‌های باز پرداخته شده است. در کدگذاری باز، کوچکترین واحدهای مفهومی در داده‌های کیفی گردآوری شده با رویکرد اکتشافی استخراج می‌شوند.

جدول (۱) کدگذاری باز

ردیف	مفهوم	منبع
۱	مربوط بودن	نایلی و لاریجی، ۲۰۲۲؛ دنوان و همکاران، ۲۰۲۱
۲	قابلیت اتکا	آچیمپانگ و الشاندیدی، ۲۰۲۱؛ کوشکی و همکاران، ۱۴۰۳
۳	جامع بودن اطلاعات	ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰
۴	مانده اعتبار	ختن لو و همکاران، ۱۴۰۱
۵	مبالغ سررسید مربوط به هر دسته از اعتبارات	اسکانلا و پلیزی، ۲۰۱۹؛ دنوان و همکاران، ۲۰۱۸
۶	کمک هزینه‌های خاص	طاهری، ۱۴۰۲؛ لیانگ و هی، ۲۰۲۰؛ کاگیلو و همکاران، ۲۰۲۰
۷	تغییرات در ذخایر کاهش ارزش اعتبار	ناصرزاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۸؛ رستمی و همکاران، ۱۳۹۷
۸	عناصر اعتباری تجدید ساختار شده در طول سال	ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰
۹	درآمدها، سود خالص و بازده	طاهری، ۱۴۰۲؛ لیانگ و هی، ۲۰۲۰؛ کاگیلو و

	دارایی	همکاران، ۲۰۲۰
۱۰	مشخصات وام‌ها	نایلی و لاریچی، ۲۰۲۲؛ دنوان و همکاران، ۲۰۲۱
۱۱	کیفیت دارایی‌ها	آچیمپانگ و الشاندیدی، ۲۰۲۱؛ کوشکی و همکاران، ۱۴۰۳
۱۲	نرخ نکول	ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰
۱۳	تمرکز ریسک	ختن لو و همکاران، ۱۴۰۱
۱۴	سیاست‌ها و خط مشیهای مدیریت ریسک اعتباری	اسکانلا و پلیزی، ۲۰۱۹؛ دنوان و همکاران، ۲۰۱۸
۱۵	تطابق با مقررات	طاهری، ۱۴۰۲؛ لیانگ و هی، ۲۰۲۰؛ کاگیلو و همکاران، ۲۰۲۰
۱۶	شاخص‌های عملکردی	ناصرزاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۸
۱۷	نرخ نکول	آچیمپانگ و الشاندیدی، ۲۰۲۱
۱۸	تمرکز ریسک	ختن لو و همکاران، ۱۴۰۱
۱۹	سیاست‌های مدیریت ریسک	اسکانلا و پلیزی، ۲۰۱۹؛ دنوان و همکاران، ۲۰۱۸
۲۰	میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری	دنوان و همکاران، ۲۰۲۱
۱	قابل مقایسه بودن اطلاعات	آچیمپانگ و الشاندیدی، ۲۰۲۱؛
۲	اطلاعات قابل فهم	ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰
۳	اطلاعات به موقع	ختن لو و همکاران، ۱۴۰۱
۴	سیاست‌های مالی	دنوان و همکاران، ۲۰۱۸
۵	مفروضات کلیدی مورد استفاده	طاهری، ۱۴۰۲؛ لیانگ و هی، ۲۰۲۰؛
۶	تکنیک‌ها و روش‌های مدیریت سررسید گذشته و دارایی‌های کاهش یافته	ناصرزاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۸
۷	شیوه‌ها و روش‌های حسابداری	ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۲ نتایج برازش مدل رگرسیونی ۱، از طریق تخمین‌زن FGLS، با متغیر وابسته اعتبار تجاری را نشان می‌دهد. جهت تأیید نیکویی برازش مدل، با توجه به اینکه آماره والد دارای سطح معنی‌داری زیر ۵ درصد است، می‌توان در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد اظهار داشت، که مدل برازش شده از اعتبار بالایی برخوردار است. سطح معناداری متغیر اجتناب مالیاتی در جدول ۲، دارای ضریب منفی (۰/۳۳۵-) و معنادار (۰/۰۰۰۱) بوده و بیان می‌دارد با افزایش اجتناب از مالیات از سوی شرکت‌های مورد بررسی این پژوهش، میزان اعتبار تجاری کاهش پیدا کرده است. نتایج به-دست آمده از حقایق بسیار جالبی پرده برمی‌دارد، که در ادامه پس از آزمون فرضیه دوم در بخش نتیجه‌گیری به آن پرداخته خواهد شد.

جدول (۲) نتایج برآورد مدل رگرسیونی

متغیر وابسته: اعتبار تجاری						
متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره	احتمال	آزمون
اجتناب مالیاتی	AVOIDANCE	-۰/۳۳۵	۰/۰۴۱۹	-۸/۰۱	۰/۰۰۰۱	VIF ۱/۰۲
اهرم مالی	LEV	۰/۱۷۱	۰/۰۲۱	۸/۰۹	۰/۰۰۰۱	۱/۴۵
نسبت ارزش دفتری	MTB	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۶	۱/۱۹	۰/۲۳۳	۱/۲۳
سودآوری	ROA	-۰/۱۹۱	۰/۰۲۴	-۷/۸۷	۰/۰۰۰۱	۱/۴۴
رشد شرکت	GS	-۰/۰۲۹	۰/۰۰۹	-۳/۰۶	۰/۰۰۲	۱/۲۶
اندازه شرت	SIZE	۰/۰۰۶۶	۰/۰۰۲۳	۲/۸۱	۰/۰۰۵	۱/۴۰
عرض از مبدا	C	-۰/۰۰۴	۰/۰۷۱	-۰/۰۷	۰/۹۴۷	
آماره والد		۳۳۲/۸۲				
احتمال آماره والد		۰/۰۰۰۱				
تعداد مشاهدات		۱۰۶۰				

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از کدگذاری باز داده‌های کیفی گردآوری شده با استفاده از ابزار مصاحبه، در جدول (۱) به نمایش گذاشته شده است. مشاهده می‌گردد که تعداد ۲۷ کد باز از میان مفاهیم موجود در مصاحبه‌ها شناسایی شده است.

در کدگذاری محوری، مقوله‌های جدا از هم در چهارچوبی معنادار در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و روابط میان آن‌ها، به ویژه رابطه مقوله محوری با سایر مقوله‌ها، مشخص می‌شود. کدگذاری محوری، منجر به ایجاد گروه‌ها و مقوله‌ها می‌شود. تمامی کدهای مشابه در گروه خاص خود قرار می‌گیرند. در این راستا، تمامی کدهای ایجاد شده دوباره بازبینی شده و با متون مقایسه می‌شود تا مطلبی از قلم نیفتد.

جدول (۳) کدگذاری محوری

ردیف	مقوله	مفهوم
۱	عناصر محتوایی	مربوط بودن
		قابلیت اتکا
		جامع بودن اطلاعات
		مانده اعتبار
		مبالغ سررسید مربوط به هر دسته از اعتبارات
		کمک هزینه‌های خاص
		تغییرات در ذخایر کاهش ارزش اعتبار
		عناصر اعتباری تجدید ساختار شده
		در طول سال
		درآمدها، سود خالص و بازده دارایی
		مشخصات وام‌ها
		کیفیت دارایی‌ها
		نرخ نکول
		تمرکز ریسک
		سیاستها و خط مشیهای مدیریت ریسک اعتباری
		تطابق با مقررات
		شاخص‌های عملکردی
		نرخ نکول

تمرکز ریسک		
سیاست‌های مدیریت ریسک		
میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری		
قابل مقایسه بودن اطلاعات	عناصر شکلی	۲
اطلاعات قابل فهم		
اطلاعات به موقع		
سیاستها و روشهای حسابداری مورد استفاده		
مفروضات کلیدی مورد استفاده		
تکنیک ها و روش های مدیریت سررسید گذشته و دارایی های کاهش یافته		
سیاست ها، شیوه ها و روش های حسابداری		

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از کدگذاری محوری در جدول (۲) نشان داده شده است. مشاهده می گردد ۲۷ کد اولیه در قالب ۲ مقوله دسته‌بندی شده‌اند.

به منظور سنجش پایایی مدل طراحی شده از شاخص کاپا استفاده شده است. بدین طریق که، شخص دیگری (از نخبگان این رشته) بدون اطلاع از نحوه ادغام کدها و مفاهیم ایجاد شده توسط محقق، اقدام به دسته بندی کدها در مفاهیم کرده است. سپس مفاهیم ارائه شده توسط محقق با مفاهیم ارائه شده توسط این فرد مقایسه شده است. در نهایت با توجه به تعداد مفاهیم ایجاد شده مشابه و مفاهیم ایجاد شده متفاوت، شاخص کاپا محاسبه شده است.

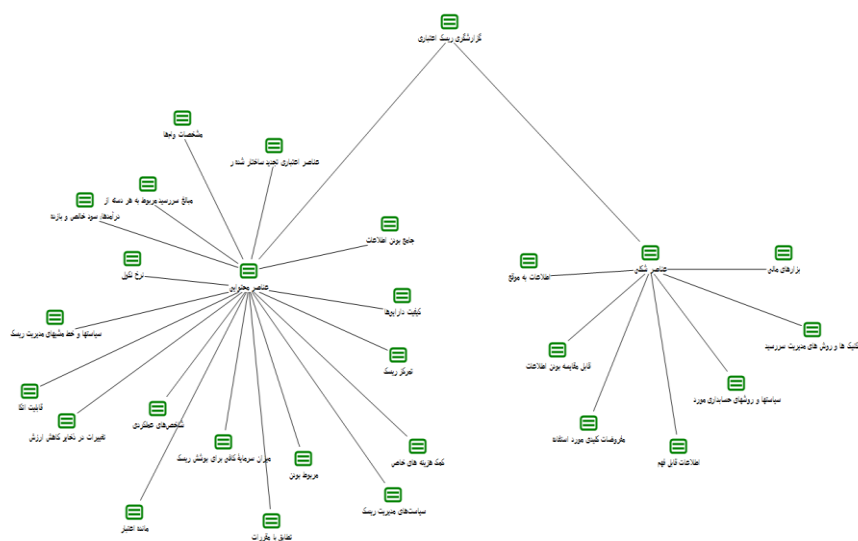
جدول (۴). ضریب کاپا

Sig	Tb	خطای استاندارد	ارزش	-----	
۰۰۰.۰	۳۵۶.۱۰	۰.۸۷۰	۹۰۱.۰	کاپا	معیار توافقی
			۲	تعداد کد	

جدول (۵): وضعیت شاخص کاپا

مقدار عددی شاخص کاپا	وضعیت توافق
کمتر از صفر	ضعیف
بین ۰ تا ۰,۲	بی اهمیت
بین ۰,۲۱ تا ۰,۴	متوسط
بین ۰,۴۱ تا ۰,۶	مناسب
بین ۰,۶۱ تا ۰,۸	معتبر
بین ۰,۸۱ تا ۱	عالی

همانطور که دیده می‌شود مقدار شاخص کاپا برابر با ۰/۹۰۱ محاسبه شد که با توجه به جدول (۴) در سطح توافق عالی قرار گرفته است.



شکل (۱): مدل گزارشگری ریسک اعتباری

منبع: یافته‌های تحقیق

برای غربال شاخص‌ها و شناسایی شاخص‌های نهایی از رویکرد دلفی فازی استفاده شده است. دیدگاه خبرگان در زمینه میزان اهمیت شاخص‌ها گردآوری شده است. برای تعیین اهمیت شاخص‌ها از دیدگاه خبرگان استفاده شده است. برای فازی سازی دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است. در فن دلفی میانگین فازی و برون داد فازی زدائی شده مقادیر مربوط به شاخص‌ها بررسی شد. مقدار فازی زدائی شده بزرگتر از $0/7$ مورد قبول است و هر شاخصی که امتیاز کمتر $0/7$ داشته باشد رد می‌شود. تحلیل دلفی فازی برای شاخص‌های باقی مانده در راند دوم ادامه پیدا کرد. نتایج حاصل از فازی‌زدایی عناصر در راند دوم در جدول (۵) گزارش شده است.

جدول (۶): میانگین فازی و غربالگری فازی شاخص‌ها (راند دو) و فاصله مقدار قطعی راند

نخست و راند دو

نتیجه	اختلاف	Result	Crisp	mean	U	M	L	۲R
توافق	۳۰۰-	پذیرش	۵۹.۷	(۷,۸,۶۷.۸)	۶۷.۸	۰۰.۸	۰۰.۷	مربوط بودن
توافق	۰	پذیرش	۵۹.۷	(۶۷.۷, ۴۲.۸, ۶۷.۶)	۴۲.۸	۶۷.۷	۶۷.۶	قابلیت اتکا
توافق	۳۰۰	پذیرش	۸۸.۷	(۷۵.۷, ۱۷.۸, ۸۳.۶)	۱۷.۸	۷۵.۷	۸۳.۶	جامع بودن اطلاعات
توافق	۳۰۰-	پذیرش	۵۴.۷	(۹۲.۷, ۶۷.۸, ۹۲.۶)	۶۷.۸	۹۲.۷	۹۲.۶	مانده اعتبار
توافق	۱۵۰۰	پذیرش	۶۲.۷	(۶, ۵.۷, ۲۵.۸, ۵)	۲۵.۸	۵۰.۷	۵۰.۶	مبالغ سررسید مربوط به هر دسته از اعتبارات
توافق	۳۹۰۰	پذیرش	۹۷.۷	(۰, ۸.۸, ۷۵.۸, ۰, ۸.۷)	۷۵.۸	۰۸.۸	۰۸.۷	کمک هزینه‌های خاص
توافق	۷۲۰۰-	پذیرش	۱۷.۷	(۰, ۸.۸, ۷۵.۸, ۰, ۸.۷)	۷۵.۸	۰۸.۸	۰۸.۷	تغییرات در ذخایر کاهش ارزش اعتبار
توافق	۱۱۰۰	پذیرش	۲۲.۷	(۴۲.۸, ۸۳.۸, ۴۲.۷)	۸۳.۸	۴۲.۸	۴۲.۷	عناصر اعتباری تجدید ساختار شده در طول سال
توافق	۱۴۰۰-	پذیرش	۲۲.۷	(۴۲.۸, ۸۳.۸, ۴۲.۷)	۸۳.۸	۴۲.۸	۴۲.۷	درآمدها، سود خالص و بازده دارایی
توافق	۴۴۰۰	پذیرش	۴۹.۷	(۷, ۸, ۶۷.۸)	۶۷.۸	۰۰.۸	۰۰.۷	مشخصات وام‌ها
توافق	۱۳۰۰-	پذیرش	۳۷.۷	(۰, ۸.۸, ۷۵.۸, ۰, ۸.۷)	۷۵.۸	۰۸.۸	۰۸.۷	کیفیت دارایی‌ها
توافق	۰۵۰۰	پذیرش	۳۶.۷	(۳۳.۸, ۸۳.۸, ۳۳.۷)	۸۳.۸	۳۳.۸	۳۳.۷	نرخ نکول

توافق	۰۵۰	پذیرش	۴۱۰۷	(۹۲۰۷,۵۸۰۸) ۹۲۰۶	۵۸۰۸	۹۲۰۷	۹۲۰۶	تمرکز ریسک
توافق	۰۹۰۰-	پذیرش	۲۷۰۷	(۰۸۰۸,۷۵۰۸) ۰۸۰۷	۷۵۰۸	۰۸۰۸	۰۸۰۷	سیاستها و خط مشی‌های مدیریت ریسک اعتباری
توافق	۳۹۰۰	پذیرش	۶۴۰۷	(۶۷۰۷,۵۸۰۸) ۶۷۰۶	۵۸۰۸	۶۷۰۷	۶۷۰۶	تطابق با مقررات
توافق	۱۳۰۰-	پذیرش	۴۳۰۷	(۱۷۰۸,۷۵۰۸) ۱۷۰۷	۷۵۰۸	۱۷۰۸	۱۷۰۷	شاخص‌های عملکردی
توافق	۰۱۰۰-	پذیرش	۳۸۰۷	(۲۵۰۸,۷۵۰۸) ۲۵۰۷	۷۵۰۸	۲۵۰۸	۲۵۰۷	نرخ نکول
توافق	۱۱۰۰	پذیرش	۴۲۰۷	(۶,۸۳۰۷,۵۰۸) ۸۳۰	۵۰۰۸	۸۳۰۷	۸۳۰۶	تمرکز ریسک
توافق	۰	پذیرش	۵۰۷	(۵۸۰۷,۳۳۰۸) ۵۸۰۶	۳۳۰۸	۵۸۰۷	۵۸۰۶	سیاست‌های مدیریت ریسک
توافق	۰	پذیرش	۳۶۰۷	(۴۲۰۷,۲۵۰۸) ۴۲۰۶	۲۵۰۸	۴۲۰۷	۴۲۰۶	میزان سرمایه کافی برای پوشش ریسک اعتباری
توافق	۴۷۰۰	پذیرش	۸۳۰۷	(۰۸۰۷,۹۲۰۷) ۰۸۰۶	۹۲۰۷	۰۸۰۷	۰۸۰۶	قابل مقایسه بودن اطلاعات
توافق	۰	پذیرش	۴۴۰۷	(۶,۵۰۷,۳۳۰۸) ۵۰	۳۳۰۸	۵۰۰۷	۵۰۰۶	اطلاعات قابل فهم
توافق	۰	پذیرش	۷۲۰۷	(۹۲۰۷,۳۳۰۸) ۹۲۰۶	۳۳۰۸	۹۲۰۷	۹۲۰۶	اطلاعات به موقع
توافق	۰	پذیرش	۲۸۰۷	(۳۳۰۷,۱۷۰۸) ۳۳۰۶	۱۷۰۸	۳۳۰۷	۳۳۰۶	سیاستها و روشهای حسابداری مورد استفاده
توافق	۰	پذیرش	۵۳۰۷	(۶۷۰۷,۲۵۰۸) ۶۷۰۶	۲۵۰۸	۶۷۰۷	۶۷۰۶	مفروضات کلیدی مورد استفاده
توافق	۰	پذیرش	۴۷۰۷	(۶,۵۰۷,۴۲۰۸) ۵۰	۴۲۰۸	۵۰۰۷	۵۰۰۶	تکنیک ها و روشهای مدیریت سررسید گذشته و داراییهای کاهش یافته
توافق	۲۰۰-	پذیرش	۳۳۰۷	(۶۷۰۷,۲۵۰۸) ۶۷۰۶	۲۵۰۸	۶۷۰۷	۶۷۰۶	سیاستها، شیوهها و روشهای حسابداری

منبع: یافته‌های تحقیق

در دور دوم هیچ شاخصی حذف نشد که این خود نشانه‌ای برای پایان راندهای دلفی است. بطور کلی یک رویکرد برای پایان دلفی آن است که میانگین امتیازات سوالات راند اول و راند دوم باهم مقایسه شوند. در صورتی که اختلاف بین دو مرحله از حد آستانه خیلی کم ($0/8$) کوچک‌تر باشد در این صورت فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف پژوهش حاضر، تعیین ابعاد و شاخص‌های تأثیرگذار در ایجاد مدل گزارشگری ریسک اعتباری در مؤسسات مالی و اعتباری است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا و انجام مصاحبه با ۱۲ نفر از خبرگان، به شناسایی ۲۷ شاخص اولیه پرداخت که در دو دسته کلی عناصر شکلی و محتوایی قرار گرفتند. عناصر شکلی شامل قابلیت مقایسه اطلاعات، فهم‌پذیری داده‌ها، ارائه به‌موقع اطلاعات، و سیاست‌ها و روش‌های حسابداری بوده و عناصر محتوایی به معیارهایی چون قابلیت اتکا، جامعیت، مرتبط بودن، کیفیت دارایی‌ها و نرخ نکول اشاره داشتند.

در گام بعدی، مدل پیشنهادی براساس نتایج تحلیل طراحی شد و شاخص کاپا برای سنجش پایایی مدل برابر با ۰,۹۰۱ محاسبه گردید که نشان‌دهنده توافق عالی میان خبرگان است. همچنین، از روش دلفی فازی برای غربالگری شاخص‌ها استفاده شد و نتایج نشان داد که تمامی ۲۷ شاخص مورد تأیید خبرگان قرار گرفتند. این مدل جامعیت بیشتری نسبت به پژوهش‌های پیشین داشته و به بررسی هم‌زمان عناصر شکلی و محتوایی می‌پردازد، در حالی که پژوهش‌هایی نظیر لوپز لیرا (۲۰۲۳) و نایلی و لاریچی (۲۰۲۲) بیشتر بر برخی جنبه‌های محدود گزارشگری متمرکز بوده‌اند. با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود مؤسسات مالی برای بهبود گزارشگری ریسک اعتباری، پایگاه داده‌ای متمرکز و به‌روز طراحی کنند که امکان تحلیل دقیق اطلاعات مرتبط با وام‌ها، نکول، تمرکز ریسک و کیفیت دارایی‌ها را فراهم آورد. همچنین، بهره‌گیری از تکنولوژی‌های پیشرفته مانند تحلیل داده‌ها و الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌تواند پیش‌بینی دقیق‌تری از ریسک‌های اعتباری ارائه دهد و کارایی گزارشگری را افزایش دهد. به علاوه، آموزش مداوم کارکنان در زمینه تحلیل ریسک و استفاده از نرم‌افزارهای مرتبط از دیگر اقداماتی است که می‌تواند به ارتقای سطح دقت و شفافیت در گزارش‌ها کمک کند. نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که طراحی گزارش‌ها با استفاده از نمودارها، جداول و گراف‌های ساده و قابل‌فهم می‌تواند درک اطلاعات را برای کاربران مختلف تسهیل کند. به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی نظیر IFRS یا GAAP به هماهنگ‌سازی و مقایسه‌پذیری گزارش‌ها کمک کرده و موجب شفافیت و جامعیت بیشتر اطلاعات خواهد شد. به علاوه، شناسایی و تحلیل دقیق ریسک‌های کلیدی همچون

نرخ نکول و تمرکز ریسک می‌تواند به اولویت‌بندی اقدامات استراتژیک و ارائه راه‌حل‌های عملی برای کاهش ریسک کمک کند.

با این حال، محدودیت‌هایی در این پژوهش وجود دارد که باید در نظر گرفته شود. جامعه آماری محدود به خبرگان بوده و تعمیم کامل نتایج به سایر جوامع آماری ممکن است با چالش مواجه باشد. علاوه بر این، دیدگاه‌های شخصی خبرگان و چارچوب زمانی و مکانی پژوهش می‌تواند بر نتایج تأثیرگذار باشد. برای غلبه بر این محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، نقش عوامل فرهنگی و سازمانی در گزارشگری ریسک اعتباری بررسی شود. همچنین، مقایسه مدل ارائه‌شده با مدل‌های بین‌المللی در صنایع مختلف می‌تواند کارایی و تطبیق‌پذیری مدل را ارزیابی کند. از سوی دیگر، تحقیقات آتی می‌توانند به توسعه مدل‌های پیشرفته مبتنی بر هوش مصنوعی برای تحلیل و پیش‌بینی ریسک‌های اعتباری بپردازند. بررسی اثرات اقتصادی گزارشگری ریسک بر عملکرد مالی مؤسسات و تحلیل موردی این مدل در بخش‌های خاص مانند بانکداری یا صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیز از دیگر زمینه‌های پژوهشی پیشنهادی است. این پژوهش با ارائه مدلی جامع و کاربردی، بستر مناسبی برای ارتقای مدیریت ریسک اعتباری در مؤسسات مالی فراهم کرده و مسیرهای جدیدی را برای تحقیقات آتی در این حوزه پیشنهاد می‌دهد.

منابع

۱. ایزدی‌نیا، ناصر، قندهاری، مهسا، عابدینی، احمد، عابدینی نایینی، مهدی. (۱۳۹۶). مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها در بانک با به‌کارگیری تحلیل شبکه‌ای فازی و الگوی آرمانی (مطالعه موردی: بانک تجارت). مدیریت دارایی و تامین مالی، ۵ (۴)، ۱۵۵-۱۶۶.
۲. تقوی، مهدی، خدایی وله زاقرد، محمد. (۱۳۹۰). ارزیابی و ارایه الگوی مناسب برای شناسایی، اندازه‌گیری و کنترل ریسک‌های مالی در موسسات مالی و اعتباری (مطالعه موردی: بانک ملت). آینده پژوهی مدیریت، ۲۱ (۶)، ۱-۱۰.
۳. ختن‌لو، محسن، بولو، قاسم، تقوی فرد، سیدمحمدتقی. (۱۴۰۱). ارائه مدلی برای ارزیابی گزارشگری ریسک شرکتی در ایران. دانش حسابداری، ۱۳ (۲)، ۱۴-۵۶.
۴. رحیمی، رحمان. (۱۴۰۱). بهینه‌سازی سبد اعتباری بانک‌ها و موسسات مالی در محیط پویای ریسک اعتباری. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۸۷ (۶)، ۸۶۶-۸۷۹.
۵. رستمی، محمدرضا، نبی‌زاده، احمد، شاهی، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری بانک‌های تجاری ایران با تأکید بر عوامل خاص بانکی و کلان اقتصادی. مدیریت دارایی و تامین مالی، ۶ (۴)، ۷۹-۹۲.
۶. سپاسی، سحر، حسنی، حسن، سلمانیان، لیدا. (۱۳۹۶). مدیریت سرمایه در گردش، عملکرد مالی و محدودیت‌های تأمین مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت دارایی و تامین مالی، ۵ (۴)، ۹۹-۱۱۶.
۷. طاهری، ماندانا. (۱۴۰۲). شناسایی موانع و چالش‌های افشای ریسک در بانک‌ها: با تأکید بر روش نظریه زمینه بنیاد. سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۱۱ (۴۳)، ۱۱-۱۴۵.
۸. علیرضایی، مجید، محقق‌نیا، محمدجواد، یوسفی، صمد. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی بانکداری اسلامی و متعارف بحرین و بانکداری بدون ربای ایران (بارویکرد سودآوری). نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۷ (۲۳)، ۷-۲۹.
۹. لبافی، دارابی، صراف. (۱۴۰۰). مدل‌سازی مدیریت دارایی‌ها-بدهی‌ها در بانک ملی ایران تحت شرایط عدم اطمینان: رویکرد مدل برنامه‌ریزی کسری. تصمیم‌گیری و تحقیق در عملیات، ۵ (۴)، ۴۶۱-۴۴۶.

۱۰. ناصرزاده، سمیه، ابوالحسنی هستیانی، اصغر، شایگانی، بیتا، متقی، سمیرا. (۱۴۰۲). ارزیابی تحلیلی شاخص‌های مؤثر بر ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و متعارف؛ (با تأکید بر شاخص حکمرانی خوب). نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، ۱۲ (ویژه‌نامه اول؛ اولین همایش ملی بانکداری اسلامی ایران)، ۱۴۹-۱۷۴.

11. Aaron, M. , Armstrong, J. , & Zelmer, M. (2007). An overview of risk management at Canadian banks. *Financial System Review*, 39-47.
12. Acheampong, A. , & Elshandidy, T. (2021). Does soft information determine credit risk? Text-based evidence from European banks. *Journal of international financial markets, institutions and money*, 75, 101303.
13. Arafate Joao, D. R. , & Maeda, Y. (2024). Measuring Bank Credit Risk Disclosure: A Cross-Country Index-Based Approach. *Review of Business*, 44 (2).
14. Barajas, M. A. , Choi, W. G. , Gan, K. Z. , Guérin, P. , Mann, S. , Wang, M. , & Xu, Y. (2021). Loose financial conditions, rising leverage, and risks to macro-financial stability. *International Monetary Fund*.
15. Breeden, J. (2021). A survey of machine learning in credit risk. *Journal of Credit Risk*, 17 (3).
16. Da, F. , & Peng, Y. (2023). Non-financial indicators for credit risk analysis of Chinese technology-oriented micro and small enterprises. *Journal of the Operational Research Society*, 74 (4) , 1198-1210.
17. Donovan, J. , Jennings, J. , Koharki, K. , & Lee, J. (2018). Determining credit risk using qualitative disclosure. Available at SSRN.
18. Donovan, J. , Jennings, J. , Koharki, K. , & Lee, J. (2021). Measuring credit risk using qualitative disclosure. *Review of Accounting Studies*, 26, 815-863.
19. Lopez-Lira, A. (2023). Risk factors that matter: Textual analysis of risk disclosures for the cross-section of returns. *Jacobs Levy Equity Management Center for Quantitative Financial Research Paper*.
20. Maudos, J. , & de Guevara, J. F. (2011). Bank size, market power and financial stability. In *Bank performance, risk and firm financing* (pp. 7-31). London: Palgrave Macmillan UK.
21. Naili, M. , & Lahrichi, Y. (2022). The determinants of banks' credit risk: Review of the literature and future research agenda. *International Journal of Finance & Economics*, 27 (1) , 334-360.

22. Saunders, A. , & Allen, L. (2002). Credit risk measurement: new approaches to value at risk and other paradigms. John Wiley & Sons.
23. Scannella, E. , & Polizzi, S. (2019). Credit risk disclosure practices in the annual financial reporting of large Italian banks. *Frontier Topics in Banking: Investigating New Trends and Recent Developments in the Financial Industry*, 245-292.
24. Scannella, E. , & Polizzi, S. (2021). How to measure bank credit risk disclosure? Testing a new methodological approach based on the content analysis framework. *Journal of Banking Regulation*, 22 (1) , 73-95.
25. Seuraj, S. , & Watson, P. K. (2012). Banking regulation: does compliance pay in emerging economies? Evidence from Trinidad & Tobago. *Social and Economic Studies*, 131-144.
26. Tefera, T. (2011). Credit risk management and profitability of commercial banks in Ethiopia. Unpublished thesis (Msc) , Addis Abeba University.
27. Zhang, W. , Wang, C. , Zhang, Y. , & Wang, J. (2020). Credit risk evaluation model with textual features from loan descriptions for P2P lending. *Electronic commerce research and applications*, 42, 100989.
28. Zheng, C. , Sarker, N. , & Nahar, S. (2018). Factors affecting bank credit risk: An empirical insight. *Journal of Applied Finance & Banking*, 8 (2), 45-67.

